

## داستان بعثت رسول خدا (ص)

در داستان بعثت رسول خدا (ص) از چند جهت باید بحث و تحقیق شود:

- ۱- از نظر تاریخ و زمان و ماه و سال بعثت
- ۲- از نظر کیفیت بعثت و روایاتی که در اینباره رسیده است
- ۳- بحث درباره نخستین آیات و یا سوره‌ای که بر آنحضرت نازل شد؟

البته در اینجا مطلب دیگری هم در کتابهای حدیثی و احیاناً کتابهای تاریخی مورد بحث قرار گرفته و آن بحث در اینباره است که آیا رسول خدا (ص) قبل از بعثت، تابع شریعتی بوده یا نه؟ و اگر از شریعتی پیروی میکرده آیا آن شریعت چه شریعتی بوده؟ شریعت نوح علیه السلام، یا شریعت ابراهیم علیه السلام، یا شریعت موسی علیه السلام و یا شریعت عیسی علیه السلام که البته این بحث یک بحث اعتقادی است و بیا بگفته ابن کثیر یعنی است که مربوط به اصول فقه است و ارتباط مستقیمی با بحث تاریخی ما ندارد، ولی با اینحال اگر خدای تعالی این فرصت و توفیق را به ما عنایت فرمود، پس از مباحث بالا، شاید مقداری هم در اینباره بحث کنیم و برای اطلاع شما این تذکر را میدهم که مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار گفتار دانشمندان اسلامی را در اینباره به تفصیل ذکر کرده و هاشم معروف حسنی و دانشمندان دیگر سنی و شیعه نیز مانند لبنی کثیر در کتاب السیرة النبویة تحقیقاتی در این زمینه دارند که میتوانید به کتابهای ایشان مراجعه نمائید.<sup>۱</sup>

### بخش اول - بحث درباره تاریخ و زمان بعثت

درباره تاریخ بعثت رسول خدا (ص) در روایات و احادیث شیعه و اهل سنت اختلاف است و مشهور میان علماء و

دانشمندان شیعه آن است که بعثت آنحضرت در بیست و هفتم رجب سال چهارم عام الفیل بوده، چنانچه مشهور میان علماء و محدثین اهل سنت آن است که این ماجرا در ماه مبارک رمضان آن سال انجام شده که در شب و روز آن نیز اختلاف دارند، که برخی هفده رمضان و برخی هجدهم و جمعی نیز تاریخ آنرا بیست و چهارم آن ماه دانسته اند.<sup>۲</sup>

و البته در پاره‌ای از روایات شیعه نیز بعثت رسول خدا (ص) در ماه رمضان ذکر شده مانند روایت عیون الاخبار صدوق (ره) که متن آن اینگونه است که:

وقتی شخصی به نام فضل از امام رضا علیه السلام می پرسد که چرا روزه فقط در ماه مبارک رمضان فرض شد و در سایر ماهها فرض نشد؟ امام علیه السلام در پاسخ او فرمود:

«لَا أَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ الْقُرْآنَ...»  
تا آنجا که میفرماید: «... وَفِيهِ نَبِيُّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»  
یعنی بدانجهت که ماه رمضان همان ماهی است که خدای تعالی قرآن را در آن نازل فرمود... و همان ماهی است که محمد (ص) در آن به نبوت برانگیخته شد...<sup>۳</sup>

که چون مخالف با روایات دیگر شیعه در اینباره بوده است. مرحوم مجلسی احتمال تقیه در آن داده، و یا فرموده که باید حمل بر برخی معانی دیگری جز معنای بعثت اصطلاحی شود، زیرا تاریخ بیست و هفتم ماه رجب بنظر آن مرحوم نزد علمای امامیه مورد اتفاق و اجماع بوده و گفته است: «... وَغَلْبِيهِ إِتْفَاقُ الْإِمَامِيَّةِ».

و اما نزد محدثین و علمای اهل سنت همانگونه که گفته شد مشهور همان ماه رمضان است<sup>۴</sup>، اگرچه در شب و روز آن اختلاف دارند، و در برابر آن نیز برخی از ایشان دوازدهم ماه

ربیع الاول و یا دهم آن ماه، و برخی نیز مانند شیعه بیست و هفتم رجب را تاریخ بعثت دانسته اند.<sup>۵</sup> و بدین ترتیب اقوال درباره تاریخ ولادت آنحضرت بدین شرح است:

۱- بیست و هفتم ماه رجب و این قول مشهور و یا مورد اتفاق علمای شیعه و برخی از اهل سنت است.<sup>۶</sup>

۲- ماه رمضان (۱۷ یا ۱۸ یا ۲۴ آن ماه) و این قول نیز مشهور نزد عامه و اهل سنت است.<sup>۷</sup>

۳- ماه ربیع الاول (دهم و یا دوازدهم آن ماه) و این قول نیز از برخی از اهل سنت نقل شده.<sup>۸</sup>

### و اما مدرک این اقوال:

مدرک شیعیان در این تاریخ یعنی ۲۷ رجب روایاتی است که از اهل بیت عصمت و طهارت رسیده مانند روایاتی که در کتاب شریف کافی از امام صادق علیه السلام و فرزند بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده، و نیز روایاتی که در امالی شیخ (ره) از امام صادق علیه السلام نقل شده است<sup>۹</sup> و از آنجا که «أهل البیت ادری بما فی البیت» گفتار این بزرگواران برای ما معتبرتر از امثال عبید بن عمیر و دیگران است.

و اما اهل سنت که عموماً ماه رمضان را تاریخ بعثت دانسته اند مدرک آنها در این گفتار اجتهادی است که از چند نظر مخدوش و مورد مناقشه است، و آن اجتهاد این است که فکر کرده اند بعثت رسول خدا توأم با نزول قرآن بوده، و نزول قرآن نیز طبق آیه کریمه: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...»<sup>۱۰</sup> در ماه مبارک رمضان انجام شده، و با این دو مقدمه نتیجه گیری کرده و گفته اند: بعثت رسول خدا در ماه رمضان بوده است، در صورتیکه هر دو مقدمه و نتیجه گیری مورد خدشه است زیرا:

اولاً- این گونه آیات که با لفظ «إنزال» آمده بگفته اهل تفسیر و لغت مربوط به نزول دفعی قرآن کریم است - چنانچه مقتضای لغوی آن نیز همین است - نه نزول تدریجی آن، و در اینکه نزول دفعی آن به چه صورتی بوده و معنای آن چیست. اقوال بسیاری وجود دارد که نقل و تحقیق در اینباره از بحث تاریخی ما خارج است. و قول مشهور آن است که ربطی به مسئله بعثت رسول خدا (ص) که بگفته خود آنها بیشتر از چند آیه

معدود بر پیغمبر اکرم نازل نشد ندارد، و مربوط است به نزول دفعی قرآن بر بیت المعمور و یا آسمان دنیا - چنانچه سیوطی دیگران در ضمن چند حدیث در کتاب درالمنثور و إتقان از ابن عباس نقل کرده اند - و عبارت یکی از آن روایات که سیوطی آنرا در درالمنثور در ذیل همین آیه از ابن عباس روایت کرده اینگونه است که گفته است:

«شهر رمضان والأئمة المباركة و ليلة القدر أن ليلة القدر هي الليلة المباركة وهي في رمضان، نزل القرآن جملة واحدة من الذكر الى البيت المعمور، وهو موقع النجوم في السماء الدنيا، حيث وقع القرآن، ثم نزل على محمد (ص) بعد ذلك في الامروالنهى وفي الحروب رسلارسل»<sup>۱۱</sup>.

یعنی ماه رمضان و شب مبارک و شب قدر که شب قدر همان شب مبارک است که در ماه رمضان است و قرآن در آنشب یکجا از مقام ذکر به بیت المعمور یعنی محل وقوع ستارگان در آسمان دنیا نازل شد و سپس تدریجاً پس از آن در مورد امر و نهی و جنگها بر محمد (ص) فرود آمد.

و به این مضمون حدود ده روایت از او نقل شده است. و متن روایت دیگری که از طریق ضحاک از ابن عباس روایت کرده چنین است:

«نزل القرآن جملة واحدة من عند الله من اللوح المحفوظ الى السفرة الكرام الكاتبين في السماء الدنيا فتجمله السفرة على جبرئيل عشرين ليلة، ونجمله جبرئيل على النبي عشرين سنة»<sup>۱۲</sup>.

یعنی قرآن یکجا از نزد خدای تعالی از لوح محفوظ به سفیران (فرشتگان) گرامی و نویسندگان آن در آسمان دنیا نازل گردید و آن سفیران در بیست شب تدریجاً آنرا بر جبرئیل نازل کردند، و جبرئیل نیز در بیست سال آنرا بر رسول خدا نازل کرد.

این درباره اصل نزول قرآن در ماه مبارک رمضان و شب قدر و ثانیاً در مورد قسمت دوم استدلال ایشان که نزول قرآن را توأم با بعثت رسول خدا (ص) دانسته اند. آن نیز مخالف با گفتار خودشان بوده و مخدوش است، زیرا عموم مورخین و محدثین اهل سنت معتقدند که نبوت و بعثت رسول خدا در آغاز بصورت رؤیا و در عالم خواب بوده و پس از گذشت مدتها که برخی آنرا شش

ماه و برخی سه سال و برخی کمتر و بیشتر دانسته اند در عالم بیداری به آنحضرت وحی شد و جبرئیل بر آن بزرگوار نازل گردید و قرآن را آورد.

و این جزء نخستین حدیثهای صحیح بخاری است که از عایشه نقل کرده که گوید:

اول ما بدئ به رسول الله (ص) من الوحي الرؤيا الصادقة في النوم و كان لا يرى رؤيا إلا جاءت مثل فلق الصبح، ثم حُبب اليه الخلاء فكان يخلو بغار حراء فيتحنث فيه الليالي ذوات العدد قبل ان ينزع الي اهله و ينزود لذلك، ثم يرجع الي خديجة فيتزود لمثلها، حتى جاءه الحق و هو في غار حراء، فجاءه الملك فقال: اقرأ ...

والبته ما در آینده روی این حدیث و ترجمه آن مشروحاً بحث خواهیم کرد، و این مطلب را تذکر خواهیم داد که در این حدیث جای این سؤال هست که آیا عایشه این حدیث را از چه کسی نقل کرده و آیا گوینده حدیث رسول خدا (ص) بوده یا دیگری، زیرا خود عایشه که در هنگام نبوت رسول خدا (ص) هنوز بدنیا نیامده بود و قاعدتاً این روایت را از دیگری نقل کرده است، ولی در اینجا از او نام نبرده ...!

مگر اینکه بگویند: این اجتهاد و نظریه خود ایشان بوده که در اینباره اظهار کرده اند که در اینصورت این روایت خود عایشه است و نظریه او است که در اینباره اظهار داشته و از باب حجیت روایت خارج شده و مانند نظرات دیگر میشود که لابد برای امثال بخاری که کتاب خود را با امثال آن افتتاح و آغاز کرده حجیت داشته ... و بهر صورت پاسخ این سؤال را نباید آنها بدهند!

ولی این مطلب بخوبی از این حدیث معلوم میشود که میان نزول وحی بر رسول خدا و نزول قرآن فاصله زیادی وجود داشته و توأم با یکدیگر نبوده و درنهایت ابن اثیر در ماده «جزء» در ذیل حدیث «الرؤيا الصالحة جزء من سبعين جزء من النبوة»<sup>۱۳</sup> آمده است که گوید:

«و كان في اول الامر يرى الوحي في المنام و دام كذلك نصف سنة، ثم رأى الملك في اليقظة»<sup>۱۴</sup>.

و نظیر این گفتار را سیوطی در کتاب اتقان ذکر کرده<sup>۱۵</sup> و بلکه برخی از ایشان فاصله میان بعثت رسول خدا (ص) و نزول قرآن را چنانچه گفتیم سه سال دانسته و به این مطلب

تصریح کرده اند، که یکی از آنها روایت زیر است که ابن کثیر آنرا صحیح و معتبر دانسته و آن روایت امام احمد بن حنبل است که بسند خود از شعبی روایت کرده که گوید:

«ان رسول الله (ص) نزلت عليه النبوة و هو ابن اربعين سنة، فمرن بنبوته اسرافيل ثلاث سنين، فكان يُقلمه الكلمة و الشئ ولم ينزل القرآن، فلما مضت ثلاث سنين قرن بنبوته جبرئيل، فنزل القرآن على لسانه عشرين سنة، عشرأ بمكة و عشرأ بالمدينة، فمات و هو ابن ثلاث و سثين سنة»<sup>۱۶</sup>.

و نظیر همین گفتار از دیگران نیز نقل شده<sup>۱۷</sup>. و البته ما اکنون در مقام بحث کیفیت نزول قرآن کریم و نزول دفعی و تدریجی و تاریخ نزول و بحثهای دیگری که مربوط به نزول قرآن است نیستیم، و اساساً آن بحثها از بحث تاریخی ما خارج است، و مرحوم علامه طباطبائی و دیگران در اینباره تحقیق و قلمفرسائی کرده اند که میتوانید به کتاب المیزان و کتابهای دیگر مراجعه نمایند<sup>۱۸</sup> و تنها در صدد پاسخگویی به این استدلال بودیم که بعثت رسول خدا (ص) مقارن با نزول قرآن نبوده و از این راه نمیتوان تاریخ بعثت رسول خدا (ص) را بدست آورد.

- ۱- بحار الأنوار ج ۱۸ ص ۲۷۱-۳۸۱ و سيرة المصطفى ص ۱۰۳ و الصحيح من السيرة ج ۱ ص ۱۵۶ و سيرة النبوة ابن کثیر ج ۱ ص ۳۹۱.
- ۲- بحار الأنوار ج ۱۸ ص ۱۹۰ و سيرة النبوة ابن کثیر ج ۱ ص ۳۹۳.
- ۳- عيون اخبار الرضا عليه السلام ص ۳۶۱. بحار الأنوار ج ۱۸ ص ۱۹۰.
- ۴- سيرة النبوة ابن کثیر ج ۱ ص ۳۹۲.
- ۵- بحار الأنوار ج ۱۸ ص ۱۹۰ و ص ۲۰۴-۲۰۵ سيرة النبوة ابن کثیر ج ۱ ص ۳۹۲.
- ۶- بحار الأنوار ج ۱۸ ص ۱۹۰ و تاريخ الخميس ج ۱ ص ۲۸۰ و ۲۸۱.
- ۷- و (۸) سيرة النبوة ابن کثیر ص ۳۹۲.
- ۹- بحار الأنوار ج ۱۸ ص ۱۸۹ و ۱۹۰.
- ۱۰- سورة بقره آیه ۱۸۵، التي آيات دیگری هم مانند آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي نَيْفَةِ الْقَدْرِ» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» درباره تاریخ نزول قرآن وجود دارد ولی صراحتی در مورد نزول آن در ماه رمضان ندارد...
- ۱۱- درالمشورج ۱ ص ۱۸۹.
- ۱۲- الاتقان ج ۱ ص ۶۹.
- ۱۳- خواب خوب جزئی از هفتاد جزء نبوت است.
- ۱۴- و در آغاز کار وحی را در خواب میدید و این جریان ششماه طول کشید، سپس فرشته را در بیداری مشاهده کرد...
- ۱۵- الاتقان ج ۱ ص ۷۰-۷۱.
- ۱۶- سيرة نبویه ابن کثیر ج ۱ ص ۳۸۸.
- ۱۷- الصحيح من السيرة ج ۱ ص ۱۹۴.
- ۱۸- المیزان ج ۲ ص ۱۲-۲۸.